

دستورنامه برگه آرای

سعید اکبری نژاد^۱

وزیری، فرهاد. دستورنامه برگه آرای... ویرایش ۲... تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

مقدمه

یکی از دلمشغولی‌های همیشگی این حقیر اتومبیل پیکان بوده است. کاربرد، تکنولوژی، تاریخ، علاقه مردم نسبت به آن و... حیرت‌آور است. از میان تمام مباحث نیز دو سؤال اصلی مورد توجه بوده است: (۱) چرا سیر تاریخی پیکان در ایران این چنین بوده است؟ و (۲) آیا فقط پیکان است که چنین تاریخی را داشته است؟ در مورد سؤال اول می‌توان از وارداتی بودن و در جا زدن تکنولوژی پیکان یاد کرد. ولی مسئله مهم‌تر آن است که آیا فقط پیکان این چنین بوده است؟ و سایر حوزه‌های علوم و فنون تافته جداافتاده‌ای بوده‌اند؟ یا سایر حوزه‌ها نیز، بنا به دلایل مشابه، مانند پیکان بوده‌اند؟

به همین کتابداری خودمان توجه کنیم. هم پیکان و هم کتابداری نوین هر دو وارداتی هستند، و عجیب اینکه اگر سال ورود کتابداری نوین به ایران را سال تأسیس کارشناسی ارشد بدانیم سال ورود هر دو به ایران حدوداً یکی بوده است. دگرگونی در پیکان جدید دفعته روی می‌دهد. تعدادی طراح با الگو گرفتن از اتومبیل‌های غربی، اتومبیلی را طراحی کرده‌اند که به عنوان پیکان

۱ کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی معاونت پژوهشی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

جدید عرضه خواهند کرد. کتابداران جدید هم با الگو گرفتن از کتابداری و اطلاع‌رسانی غربی کتابداری نوین‌تر را عرضه می‌کنند. به نظر می‌رسد هم کتابداری و هم پیکان سرانجام مشابهی خواهند داشت. مثلاً جانشین پیکان هیچ چیزش به پیکان نمی‌ماند، موتور، اتاق، شاسی و... اصلاً پیکان جدید چیز دیگری است. نسل جدید کتابداران هم چیز دیگری هستند، شبکه، اینترنت، دیسک فشرده، رایانه و... هیچ عنصری از گذشته را میان این نسل جدید نمی‌توان یافت، اما جالب توجه و عجیب است که پیکان جدید احتمالاً همان راهی را طی خواهد کرد که پیکان قدیم طی کرده است. همین‌طور کتابداران نوین‌تر درست پا جای پای کتابداران نوین خواهند گذاشت. البته برای پیدا کردن نقاط مشترک میان پیکان و حوزه کتابداری و توضیح هر یک و اثبات یا رد آن نیاز به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تری است. به همین دلیل است که نگارنده در مقاله حاضر ضمن بررسی و نقد نکات اساسی کتاب دستورنامه برگه‌آرایی به دنبال سرنخ‌هایی از همسانی کتابداری و پیکان است.

کار فردی

کارهای علمی اساساً به دو صورت، گروهی یا فردی، انجام می‌شود. گرایش عمده علمی در جهان به سوی کار گروهی کردن است. ولی به جز آن، کارهایی است که در هر شرایطی باید گروهی انجام پذیرد؛ مانند تدوین دایرةالمعارف، سرعنوان موضوعی، اصطلاحنامه، استاندارد و مانند آن. به نظر منطقی می‌رسد که اگر این نوع کارها را فردی به اتمام برساند، کار انجام شده مشکلات بیشتری خواهد داشت، و کمتر از اعتبار لازم برخوردار خواهد بود. دستورنامه برگه‌آرایی نیز این نقص را دارد. در صفحه ۹ و ۱۰ این کتاب می‌خوانیم:

... برآن شدم یکایک مسایلی را که در ضمن کار به آنها برخورد می‌کردم ثبت و ضبط نمایم... ولی کلیه مشکلات برگه‌آرایی، لزوماً همان مشکلاتی نبود که در عمل با آن مواجه شده بودم و لازم بود از دید وسیع‌تر همه گونه احتمالات و موارد نادری را نیز که خواه ناخواه در برگه‌آرایی فارسی پیش می‌آید، بررسی کنم. بنابراین چند نسخه از قواعد برگه‌آرایی فارسی را که عجلتاً تهیه کرده بودم در اختیار همکاران کتابدار و سایر دست‌اندرکاران این مسأله قرار دادم و خواستار شدم تا نظریات اصلاحی و انتقادات و اشکالات خود را با ما در میان بگذارند و خود نیز به موازات آن شروع به مطالعه و بازدید از برگه‌دانهای مختلف نمودم...

از این متن به سادگی می‌توان فهمید که تدوین دستورنامه برگه‌آرایی کار یک نفر بوده است، و خواه و ناخواه محدودیت‌های کارهای فردی را نیز با خود دارد. البته در مقدمه کتاب و در این متن از همکاران و کتابداران یاد می‌شود، ولی اینکه چند نفر و با چه مسئولیتی همکاری کرده‌اند مشخص نیست.

مسلماً تدوین هر استاندارد، از جمله این دستورنامه، کار گروهی را می‌طلبد. نتیجه‌های به دست آمده از آن کار گروهی به عنوان پیش‌نویس برای تمام دست‌اندرکاران ارسال می‌شود و پس از دریافت اظهار نظرها و بحث و بررسی، استاندارد منتشر می‌شود. از ویژگی‌های این روش آن است که هم استاندارد دقیق‌تری تدوین می‌شود و هم اگر فردی از گروه حذف شد یا کناره‌گرفت کار همچنان ادامه خواهد یافت. شاید بتوان در بخش‌های بعدی انعکاس محدودیت کار فردی را مشاهده کرد.

کاری ناقص

مشکل اساسی این کتاب بی‌توجهی به تمام مسائل و مشکلات رسم‌الخط فارسی است. برای پی‌بردن به این مشکل بهتر است بخشی از بند "ه" قاعده ۶، صفحه ۳۷، ذکر شود:

همزه در حالت اضافه وقتی روی "ها"ی غیرملفوظ واقع شود به حساب نمی‌آید. مثل "خانه من". از آنجا که در این مورد دو رسم‌الخط موجود است و نویسندگان بنا به ذوق و سلیقه شخصی گاه آنرا بدون "ی" و گاه با "ی" می‌نویسند (مثل: خانه‌ی من). در صورت اخیر باید "ی" را ندیده گرفت و در الفبایی کردن آنرا دخالت نداد و همان رسم‌الخط سنتی و کلاسیک را که بدون "ی" نوشته می‌شود ملاک و مأخذ قرار داد.

در پانویس همین صفحه نیز آمده است:

۱. چون در کتابداری یکدستی و رعایت نظام ثابت پایه و اساس کار است، می‌توان بجای حذف "ی" مینا را بر دخیل کردن "ی" گذاشت. در اینصورت باید همه جا، حتی اگر نویسنده "ی" را ثبت نکرده است و همزه را ترجیح داده است، همزه مذکور را "ی" به حساب آورد. در اینصورت... چنین می‌شود:

نقشه‌خوانی	نقشه‌ها	نقشه‌راهها
نقشه‌کشی	نقشه‌خانه‌ها	نقشه‌ی شهرسازی...
نقشه و طرح	نقشه‌ی خیابانهای تهران	نقشه‌ معماری
(کتابخانه ملی ایران شیوه‌اول را که در متن آمده است بکار می‌برد)		

اگر با دقت به نقل قول‌های یاد شده توجه شود می‌توان نتیجه گرفت که در برگه‌آرایی اصل رعایت یکدستی است، حتی اگر برای رسیدن به این یکدستی مجبور باشیم اصل مطلب و متن را به گونه دیگری تصور کنیم. مثلاً در همین مثال‌های یاد شده کتابدار یا برگه‌آرا باید "نقشه" را برابر "نقشه‌ی" فرض کند. البته کار با همین قاعده به پایان نمی‌رسد. مثلاً، در قاعده ۱۵، پای زینت، اضافه، و قیدساز ذکر می‌شود. طبق این قاعده پای زینت یا تأکید را که بر سرفعل می‌آید مانند برویم، بکنم و نیز بایی را که بر سر اسم می‌آید تا قید بسازد مانند به دقت و به شدت متصل می‌انگاریم. با این چارچوب نیز تفاوتی میان بتدریج، بشدت، و بدقت با به تدریج، به شدت، و به دقت نیست. یا بند "ه"، قاعده ۶، می‌گوید "ابتداء کار" و "اشیاء قیمتی" را درست همان "ابتدای کار" و "اشیای قیمتی" به حساب آورید. ولی عجیب اینجاست که تعداد موارد ذکر شده در کتاب بسیار اندک است و مواردی مانند موارد زیر فراموش شده است:

نقطه‌ای، نکته‌ای	نقطه‌یی، نکته‌یی
فرآیند، فن آوری	فرایند، فناوری
جست و جو، گفت و گو	جستجو، گفتگو
چه گونه، علاقه‌مند	چگونه، علاقمند
بیاندیش، بیانداز	بیندیش، بینداز
آمریکا، آفریقا	امریکا، افریقا
داوودی، سیاوش	داودی، سیاوش
بلوار، فرمت	بولوار، فورمت
تئاتر، رئالیسم	تاتر، رالیسم

از این دست تفاوت‌های نگارشی در رسم‌الخط فارسی فراوان است و فقط اندکی از آنها ذکر شد. اگر قصد برگه‌آرایی یکدستی است، اگر منظور از تدوین دستورنامه برگه‌آرایی راهنمایی کتابداران در ضمن برگه‌آرایی است، پس چرا موارد فوق و صدها مورد دیگر فراموش شده است؟

برای پی بردن به علت این اشکال قاعده‌های ۱ تا ۱۹ بررسی و حدوداً گرایش هر قاعده مشخص شد. حاصل چنین اقدامی جدول ۱ است.

جدول ۱. گرایش قاعده‌های ۱ تا ۱۹

نوع قاعده	تعداد
قاعدهٔ عام	۴ مورد
قاعده برای لاتین	۱ مورد
قاعده برای فارسی	۱۲ مورد
قاعده برای عربی	۱۰ مورد
جمع	۲۷ مورد

دلیل آنکه جمع کل جدول ۱ از تعداد قاعده‌های بررسی شده، ۱۹ قاعده، بیشتر است این است که برخی قاعده‌ها هم در رسم الخط فارسی و هم در رسم الخط عربی مصداق دارد. تنها قاعده‌ای که به زبان‌های لاتین پرداخته است قاعدهٔ ۴ است که با عنوان "حروف اختصاری اسامی خاص و نام سازمانها و موسسات که از زبانهای لاتین به فارسی برگردانیده می‌شوند" در صفحه‌های ۲۹ تا ۳۲ آمده است. بنابراین، در مورد نگارش‌های مختلف فارسی از واژه‌های عام لاتین بحثی نشده است؛ مثل ویدیو یا ویدئو، رأیسم یا رئالیسم، بولواری یا بلواری و مانند آن. از طرف دیگر، اگر کتاب به دقت مطالعه گردد، مشاهده می‌شود که کتاب سعی دارد قاعده‌هایی را تدوین کند که یا آن بتوان رسم الخط فارسی و رسم الخط عربی را با هم برگه‌آرایی کرد. با این پیش‌فرض است که رسم الخط فارسی نیز به فراموشی سپرده می‌شود و برای نقطه‌ای یا نقطه‌یی، فرایند یا فرایند، جست‌وجو یا جستجو و مانند آن قاعده یا قاعده‌هایی وضع نمی‌شود.

قاعدهٔ ۱۲

قاعدهٔ ۱۲، قاعدهٔ عجیبی است و به نظر می‌رسد که تمام مشکلات را حل کرده است. پیش از بحث در مورد آن بهتر است بخش اصلی آن ذکر شود. در صفحهٔ ۴۲ ذیل این قاعده آمده است:

۱۲- کلماتی که به دو صورت نوشته می‌شوند.

قاعده کلی - از کلماتی که به دو صورت نوشته می‌شوند به استثنای اسامی

اشخاص به منزله شناسه یکی را انتخاب کنید و بدون در نظر گرفتن اختلاف ظاهری هر دو را تحت شکل انتخاب شده برگه‌آرایی کنید. یک برگه توضیحی برای صورت انتخاب شده و یک برگه ارجاعی از شکل دیگر به شکل انتخاب شده بسازید.

از ظاهر امر چنین برمی‌آید که این قاعده جوابگوی تمام مشکلات و چندگونگی رسم‌الخط باشد. اما به کمی تعمق نواقص این قاعده به قرار زیر مشخص می‌شود:

۱. اگر این قاعده قاعده‌ای کلی و برای تمام واژه‌هاست باید در ابتدای متن می‌آمد نه در اواسط متن.

۲. بندهای مختلف این قاعده و مثال‌هایی که ذیل هر یک از بندها آمده است بیشتر به نام اشخاص، مکان‌ها و... توجه دارد و کمتر به واژه‌های عام پرداخته است. اساساً مثال‌های این بخش عمدتاً به واژه‌های عربی که در فارسی به دو صورت نوشته می‌شود می‌پردازد و برای تمام آنها هم قاعده‌هایی وضع می‌کند.

بنابراین، بعید به نظر می‌رسد منظور این قاعده تمامی واژه‌ها بوده باشد. ولی با تمام این احوال تصور می‌کنیم واقعاً این قاعده بدین منظور تدوین شده است که کتابداران خود واژه مورد نظر را انتخاب و براساس آن برگه‌آرایی کنند. در این صورت مشکلات زیر به وجود می‌آید:

۱. اگر کتابدار یا برگه‌آرا ضمن برگه‌آرایی با واژه‌هایی مانند فن‌آوری، مسئله، اطریش، بیاندیش و نظایر آن برخورد کرد باید بداند که فناوری، مسأله، اتریش، و بیاندیش نیز در رسم‌الخط فارسی مرسوم است تا بتواند برگه توضیحی و برگه ارجاعی تهیه کند. چنین انتظاری از کتابدار یا برگه‌آرا انتظار زیادی است. ویراستاران پس از سال‌ها تجربه هنوز با برخی از این موارد آشنا نیستند. به بیان دیگر، این کار، کار ویراستار است نه کار کتابدار و برگه‌آرا. در آموزش کتابداری آموزش چنین توانایی‌هایی منظور نشده است.

۲. امکان دارد این گونه واژه‌ها در ابتدا، وسط، یا انتهای عبارت‌ها باشند. بنابراین، برای یک واژه فقط یک ارجاع کافی نیست. اگر این واژه در ابتدای تعدادی از عبارت‌ها باشد ساختن یک ارجاع کافی است. ولی اگر همان واژه، واژه دوم عبارت باشد برای آن هم باید ارجاعی ساخت و اگر همین واژه، واژه دوم عبارتی باشد که کلمه اول آن با کلمه اول عبارت قبلی متفاوت باشد، باز هم نیاز به یک برگه ارجاعی است. پس اگر قرار باشد اجرای این مهم به عهده کتابدار یا برگه‌آرا باشد نیاز به تعداد زیادی برگه ارجاعی و برگه توضیحی است که کم‌وبیش از توان کتابخانه‌ها و کتابداران خارج است. در ضمن، برگه توضیحی برای واژه‌هایی که در ابتدای شناسه قرار می‌گیرند

مناسب است و برای واژه‌هایی که در میان شناسه قرار دارند استفاده از برگه توضیحی درست نیست و احتمالاً مشکل زیادی را حل نخواهد کرد. به نظر می‌رسد کتاب توجهی به واژه‌های میان شناسه نداشته است.

۳. هر قاعده یا قانونی استثناهایی دارد. اما تا کجا قاعده و قانون واقعاً قاعده و قانون باقی می‌ماند؟ آیا اگر تعداد استثناءها به حدی برسد که دیگر نتوان قاعده یا قانون را تشخیص داد، باز هم قاعده و قانون اعتبار لازم را خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد تعداد واژه‌هایی که در فارسی به صورت‌های گوناگون نوشته می‌شوند به قدری زیاد است که بیم آن می‌رود نظم الفبایی خدشه‌دار شود. تصور کنیم اگر واقعاً رأیسم در رئالیسم، رؤوس در رؤوس، بیاندیش در بیندیش و... برگه‌آرایی شود، نظم الفبایی برگه‌دان معشوش نخواهد شد؟ و مراجعان با چنین بی‌نظمی منظم شده‌ای سردرگم نخواهند شد؟ آیا به‌راستی باید اسکیزوفرنی و شیزوفرنی؟ و هیدروژن، ایدروژن، و تیدروژن را در کنار هم برگه‌آرایی کنیم؟

۴. از همه مهم‌تر اینکه در برخی واژه‌ها و عبارات‌ها تعیین مرز کلمه و عبارت کار مشکل و گاه نشدنی است، مانند:

اجراست	اجراست
ترا	تورا
چگونه	چه‌گونه
همو	هم او
بدین	به این

آیا واقعاً کتابدار یا برگه‌آرا می‌تواند در مورد "به این" و "بدین" یا "هم او" و "همو" تصمیم‌گیری کند؟ مواردی را که هنوز بحث داغ میان ادب‌است، چگونه کتابدار و برگه‌آرا در موردشان تصمیم‌گیری کند؟

خلاصه کلام اینکه به نظر نمی‌رسد قاعده ۱۲ قصد داشته باشد میان تمامی واژه‌هایی که به دو یا چند شکل نوشته می‌شوند یکدستی ایجاد کند. به نظر نمی‌رسد این مهم در رسم‌الخط فارسی با تمام مشکلاتش شدنی باشد.

تدوین رسم‌الخط یا دستورنامه برگه‌آرایی

قاعده ۶ به همزه اختصاص یافته است. بندهای الف، ب، و ج این قاعده به شرح زیر است:

الف - همزه مکسور یا ماقبل مکسور که همیشه به صورت یا (ت) نوشته می‌شود از نظر ترتیب الفبا نیز "ی" به حساب می‌آید.

ب - همزه مفتوح یا ماقبل مفتوح که به صورت "الف" نوشته می‌شود از نظر ترتیب الفبا "الف" حساب می‌شود.

ج - همزه مضموم یا ماقبل مضموم که به صورت "واو" نوشته می‌شود از نظر ترتیب الفبا "واو" حساب می‌شود.

نویسنده محترم برای اثبات درستی نظرات خود به کتاب دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی تألیف جناب آقای دکتر محمد جواد مشکور نیز ارجاع می‌دهد. همان‌طور که مشهود است کتاب پا را از دستورنامه برگه‌آرایی بیرون گذاشته و به تدوین رسم‌الخط استاندارد اقدام می‌کند؛ که وظیفه این دستورنامه نیست.

برای توضیح بیشتر به همان بند ج قاعده ۶ توجه شود در این بند آمده است: "همزه مضموم یا ماقبل مضموم که به صورت واو نوشته می‌شود..." در صورتی که می‌دانیم در رسم‌الخط فارسی هم مستول و هم مسؤل داریم. بنابراین، کتاب به جای ارائه راه حل به برگه‌آرا حکم قطعی داده است که همزه مضموم حتماً به صورت واو نوشته می‌شود. یا در بند ب می‌آید: "همزه مفتوح یا ماقبل مفتوح که به صورت الف نوشته می‌شود..." در صورتی که در فارسی از قرائت یا برائت استفاده می‌شود نه از قرائت یا برأت. به بیان دیگر، کتاب به جای ارائه راه حل برای برگه‌آرا در مواجهه با شیوه‌های نوشتاری گوناگون با همزه، اقدام به تعیین رسم‌الخط استاندارد کرده است. قابل ذکر است منابعی مانند سرعنوان‌های موضوعی فارسی می‌توانند رسم‌الخط تدوین کنند و تمام سرعنوان‌ها را براساس آن رسم‌الخط ارائه دهند ولی دستورنامه برگه‌آرایی باید مشکلات اجرایی برگه‌آرایی را حل کند نه اینکه رسم‌الخط تدوین و ارائه کند.

برخی اشکالات دیگر

۱. در صفحه ۳۷ ذیل همزه می‌آید: "همزه در حالت اضافی وقتی روی "ها"ی غیرملفوظ واقع شود به حساب نمی‌آید. مثل خانه من". نویسنده محترم فراموش کرده‌اند که در پانویس صفحه ۳۴ آورده‌اند: "... در فارسی اصولاً همزه وجود ندارد...". به نظر می‌رسد "ه" در خانه من سر "ی" باشد که اساساً از نظر صدا و کارکرد با همزه متفاوت است. در این کتاب به دفعات حدود همزه "ت" با سر "ی" مخدوش شده است. البته اینکه در فارسی همزه داریم یا نداریم به بحث

دیگری تیار دارد.

۲. در قاعده ۲۲ بحث از صلوات و تحیات است و ذیل آن می‌خوانیم:

(ع) = علیه‌السلام یا علیها‌السلام

(ص) = صلی‌الله علیه و آله و سلم

(رض) = رضی‌الله عنه

از قاعده ۲۰ تا قاعده ۳۳ به "ترتیب قرار گرفتن شناسه‌ها" اختصاص یافته است. ناگفته پیداست که بهتر است بحث صلوات و تحیات در بخش اول بیاید. به نظر می‌رسد قاعده ۱۸ قاعده مناسبی باشد. در ضمن تعداد این اختصارها بسیار افزایش یافته است.

۳. در قاعده ۱۵ قواعدی درباره بای زینت، اضافه، و قید بیان شده است. متأسفانه کتاب خود به این قواعد پایبند نبوده است. "به صورت" در صفحه‌های ۳۴ و ۳۵ و "بصورت" در صفحه‌های ۳۳ و ۳۵ آمده است. همین مشکل برای "به وسیله" و "بوسیله" نیز تکرار شده است. از این دست اشکالات در متن فراوان است. در تدوین این گونه استانداردها باید از نظم آهنینی پیروی کرد.

۴. در برخی قواعد تصمیم‌گیری به عهده کتابدار و برگه‌آرا گذاشته شده است، مثلاً در قاعده ۱۲ تعیین واژه اصلح به عهده کتابدار گذاشته شده است. یا در قاعده ۶ تعیین اینکه ابتداء کار، ابتدای کار خوانده شود یا ابتدای کار، ابتداء کار حساب شود با کتابدار است. حال فرض کنیم هر کتابخانه خود تصمیم ویژه‌ای بگیرد، در آن صورت وضع مراجعان به کتابخانه‌های گوناگون جالب خواهد بود. مطمئناً چیزی جز سردرگمی مراجعان حاصل نخواهد شد. بهتر است قواعد کاملاً تعریف شده و برای همه یکسان باشد تا مراجعان به کتابخانه‌های گوناگون دچار سردرگمی نشوند.

۵. در ذیل قاعده ۱۳ آمده است

الف - الفبا: کلیه شناسه‌ها (مؤلف، موضوع، عنوان) را بدون در نظر گرفتن نوع شناسه و زبان (فارسی، عربی و دیگر زبانهایی که با حروف الفبای فارسی نوشته می‌شود) به ترتیب الفبا مرتب کنید.

علت اینکه این قاعده به این سختی ارائه شده است مشخص نیست. در حال حاضر کتابخانه‌های معتبری هستند که هر یک مؤلف، عنوان، و موضوع را جداگانه برگه‌آرایی می‌کنند. به نظر می‌رسد در شرایطی باید دست کتابخانه‌ها و کتابداران را باز گذاشت و در جاهایی، مانند

بند قبلی همین مقاله (بند ۴ در برخی اشکالات دیگر) باید چارچوب‌ها را محدودتر گرفت. ۶. این کتاب در حوزه‌ای نگارش یافته است که سایر رشته‌های علمی در مورد آن صاحب نظر هستند. در مورد رسم‌الخط فارسی دست کم زبان‌شناسان، متخصصان دستور زبان فارسی، رایانه‌دانان، و ویراستاران نیز صاحب نظر هستند. متأسفانه از زبان‌شناسان، رایانه‌دانان، و ویراستاران هیچ منبعی در بخش کتابنامه نیامده است. مضافاً اینکه در متن کتاب نیز از آنها یادی نشده است. البته در صفحه ۱۰ یادی از «همکاران کتابدار و سایر دست‌اندرکاران» شده است، ولی مشخص نیست که سایر دست‌اندرکاران چه کسانی هستند، چه تخصصی دارند، و چه کاری کرده‌اند؟ آیا احتمال نمی‌رود که کتاب توجهی به جنبه‌های دیگر کار نداشته است؟

حرف به حرف یا کلمه به کلمه

یکی از پیش‌فرض‌های این کتاب مناسب بودن روش حرف به حرف برای آراستن برگه‌های فارسی است. در صفحه ۲۲ آمده است:

روش حرف به حرف برای آراستن برگه‌های فارسی بیشتر متداول است زیرا تشخیص حدود کلمه‌ها در فارسی مشکل است و اغلب کلمه‌های مرکب حتی آنها که از دو اسم تشکیل شده‌اند در بعضی موارد چسبیده به یکدیگر و گاه مجزا نوشته می‌شوند. مثل: ایرانشهر، ایران‌زمین، ایران‌آباد، ایرانشناسی، ایراندوست، علیمحمد، علیقلی و غیره. و نیز حرف بای اضافه یا زینت که گاه چسبیده و گاه مجزا نوشته می‌شود. مثل: من به خانه رفتم یا من بخانه رفتم یا در مورد بای زینت یا تاکید مثل: به بینم یا ببینم (رجوع کنید به قاعده ۱۵).

بنابراین این قواعدی که ذیلاً می‌آید منحصر است به برگه‌آرایی الفبایی حرف به حرف.

با توجه به نقل قول یاد شده موارد زیر قابل تأمل است:

۱. تمام کلمه‌های مرکب ایران‌شهر یا ایرانشهر، ایران‌زمین یا ایرانشناسی، ایرانشناسی، ایراندوست یا ایراندوست، علی‌محمد یا علیمحمد، و علی‌قلی یا علیقلی تماماً درست هستند و تماماً یک کلمه به حساب می‌آیند. چسبیده یا مجزا نوشتن آنها تأثیری در الفبایی کردن آنها ندارد، زیرا در هر صورت یک واژه هستند. هر واحد صرفی، اعم از بسیط و

مشتق و مرکب، یک کلمه شمرده می‌شود و اجزای آن سرهم یا نزدیک به هم (بدون فاصله میان کلمه‌ای) نوشته می‌شود. ملاک صوری در این مورد تکیه است (کلمه مرکب، هر چند شامل تکواژها یا واژه‌های متعدد است، یک تکیه بیش ندارد)^(۱).

تنها واژه‌ای که می‌ماند ایران آباد است. اگر این عبارت را ایران آباد بخوانیم دو کلمه است و اگر ایران آباد بخوانیم یک کلمه محسوب می‌شود. همان‌طور که مشهود است بدون اینکه این دو کلمه به هم به‌چسبند، با نوع خواندن و آهنگ واژه‌ها، هم معنی و هم یک کلمه بودن یا یک عبارت بودن آنها تغییر می‌کند. شاید سایر واژه‌ها را نیز بتوان به گونه دیگری خواند که در آن صورت نیز دو کلمه خواهند بود.

در مورد "بای‌زینت" هم در قاعده ۱۵ تصمیم‌گیری شده است. طبق آن قاعده قرار است "بای‌زینت" چه پیوسته و چه جدا نوشته شود آن را پیوسته تصور کنیم.

با این اوصاف و با توجه به ناقص بودن و اشتباه بودن استدلال‌ها آیا می‌توان باز هم شیوه برگه‌آرایی حرف به حرف را مناسب رسم‌الخط فارسی دانست؟ در هر صورت در چارچوب متن کتاب و با استدلال‌ها و مثال‌های آن نمی‌توان به این نتیجه رسید.

۲. اقلام اطلاعاتی در برگه‌های کتابشناختی دو گونه هستند. پاره‌ای از آنها مستند می‌شوند و برخی مستند نمی‌شوند. در مورد سرعنوان‌های موضوعی، نام افراد، و سازمان‌ها هیچ گونه مشکلی نداریم. اگر هم مشکلی موجود باشد چون اختیار مستند کردن در دست کتابداران است می‌توان مشکلات را حل کرد. در مورد عنوان‌ها مشکل همچنان باقی است. به بیان دیگر، با سرعنوان‌های موضوعی، نام افراد، و سازمان‌ها می‌توان کلمه به کلمه رفتار کرد و احتمالاً مشکلی هم پیش نمی‌آید. آنجا که گفته‌اند شیوه حرف به حرف برای رسم‌الخط فارسی مناسب‌تر است جایی است که از زبان طبیعی استفاده می‌شود و گرنه در حوزه‌هایی که از زبان کنترل شده سود می‌برند به راحتی می‌توان از شیوه برگه‌آرایی کلمه به کلمه بهره برد. حال سؤال اینجاست که آیا صلاح است صرفاً به خاطر "عنوان" امکانات منطقی برگه‌آرایی کلمه به کلمه را از دست داد؟ یا باید راهی برای مستندکردن عنوان‌ها یافت؟

۳. گاهی در شیوه برگه‌آرایی حرف به حرف مراجعه‌کننده به برگه‌دان دچار سردرگمی می‌شود و اطلاعات را در برگه‌دان نمی‌یابد. به مثال زیر که برگرفته از مقدمه سرعنوان‌های موضوعی فارسی است توجه شود^(۲):

روده راست

رود کارون

روده‌ها

رود نیل

رود هیرمند

رودها

روده اثنی عشر

همین تعداد سرعنوان را می‌توان به راحتی به صورت کلمه به کلمه مرتب کرد:

روده راست

رود کارون

رودها

رود نیل

روده‌ها

رود هیرمند

روده اثنی عشر

با این شیوه برگه‌آرایی دست کم رود هیرمند در کنار سایر رودها قرار می‌گیرد. البته اگر بتوان "ها"ی جمع را از رودها و روده‌ها گرفت الفبایی کلمه به کلمه سرعنوان‌های یاد شده به صورت زیر درخواهد آمد.

روده

رود

روده اثنی عشر

رود کارون

روده راست

رود نیل

رود هیرمند

به نظر می‌رسد با کمی تحقیق و بررسی و با اندکی تساهل بتوان در حوزه‌هایی که کنترل اطلاعات در اختیار کتابداران است از شیوه کلمه به کلمه سود برد.

۴. با توجه به نرم‌افزارهای موجود عملاً تقطیع واژه‌ها حرف اول را می‌زند. اساساً توان و قدرت رایانه در شناخت واژه‌ها و تقطیع عبارت‌هاست. چه بخواهیم و چه نخواهیم رایانه‌ها براساس کلمه ایندکس‌سازی می‌کنند و اکثر قریب به اتفاق کاوش‌ها نیز براساس کلمه صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، یا باید رایانه‌ها و نرم‌افزارها را مطابق شیوه برگه‌آرایی حرف به حرف تنظیم کرد یا خود و شیوه‌های جاریمان را تغییر دهیم. به نظر می‌رسد جامعه علمی به سمت تعیین حد و حدود واژه پیش می‌رود تا تغییر رایانه و نرم‌افزار.

بنابراین، با توجه به منطقی‌تر بودن برگه‌آرایی کلمه به کلمه، گرایش رایانه و امکانات جست‌وجوهایش به کلمه، و جلوگیری از سردرگمی مراجعان به برگه‌دان بهتر است راهی به سوی برگه‌آرایی کلمه به کلمه بیابیم. مضافاً براینکه اگر مشکلی در برگه‌آرایی کلمه به کلمه هست مربوط به زبان طبیعی است نه زبان اطلاعات کتابشناختی که اکثر کنترل شده و مستند هستند و اختیار آن در دست کتابداران.

عصر رایانه

زمانی که ویرایش اول دستورنامه برگه‌آرایی تدوین شد سخنی از رایانه در میان نبود وقتی که ویرایش دوم به چاپ رسید استفاده از رایانه در ابتدایی‌ترین شکل خود بود. ولی اکنون اغلب کتابخانه‌های معتبر دانشگاهی، دانشکده‌ای، تخصصی، سازمانی و برخی کتابخانه‌های آموزشی و عمومی نیز به صورت گسترده از این ابزار نوین در سازماندهی منابع خویش سود می‌برند. آیا قواعد این کتاب که در سال‌های گذشته تدوین شده است، در عصر رایانه نیز اعتبار خود را حفظ کرده است؟ آیا رایانه ضمن القایی کردن از همین قواعد پیروی می‌کند؟ یا از قوانین خاص خود سود می‌برد؟ آیا تاکنون نرم‌افزاری تهیه شده است که بتواند قواعد گفته شده در کتاب دستورنامه برگه‌آرایی را اجرا کند؟ آیا تاکنون از یکی از مهندسان نرم‌افزار یا برنامه‌نویسان خرواسته‌ایم که این قواعد را مطالعه کند و در مورد استفاده از آن در القایی کردن اطلاعات کتابشناختی بانک‌های اطلاعاتی اظهار نظر کند؟

برای روش‌تر شدن مشکلات این قواعد در کاربرد رایانه‌ای آن ذکر مثال‌های زیر ضروری است.

۱. با توجه به گوناگونی نوشتاری واژه‌ها باید بانکی از این گونه واژه‌ها و شکل‌های مختلف آن تهیه کرد. حال اگر مراجعه‌کننده‌ای دموکراسی، مسئله، بیان‌دیش یا... جست‌وجو کند رایانه با مراجعه به این بانک دموکراسی، مسأله، بیندیش و... را نیز جست‌وجو خواهد کرد. این روش را می‌توان به شیوه‌های گوناگون اجرا کرد. با این حساب نیاز به بانکی از واژه‌ها و برنامه‌رایانه‌ای دقیق‌تری است که این مهم را انجام دهد، که این خود نیاز به نیروی انسانی، وقت، و هزینه بسیاری دارد. قابل ذکر است که اگر این برنامه‌رایانه‌ای دقیق نباشد اگر مراجعه‌کننده‌ای واقعاً "مشکوة" را بخواهد و نه "مشکات" را دچار مشکل خواهد شد.

۲. پاره‌ای از قواعد، مانند قاعده ۳۲، پیچیده‌تر است. ذیل این قاعده آمده است که اگر به (ع) برخورد شد علیه‌السلام یا علیها‌السلام محسوب شود. حال رایانه از کجا بداند هر گاه به (ع) برخورد کدام را انتخاب کند؟

این مشکل هم راه حل دارد. تعداد نام‌هایی که بعد از نامشان (ع) می‌آید محدود است و تعداد زنانی که بعد از نامشان اختصار (ع) قرار می‌گیرد بسیار کمتر هستند. پس باز می‌توان بانکی، هر چند کوچک، از نام زنان مقدس تهیه کرد و در رایانه گذاشت، در این صورت رایانه هر گاه به (ع) برخورد سراغ بانک مورد نظر می‌رود و مشخص می‌کند که (ع) نشان‌دهنده علیه‌السلام یا علیها‌السلام است.

۳. اگر همین روش را بپذیریم با قاعدهٔ ۶ چه می‌کنیم؟ با توجه به بند "د" این قاعده انشاء=انشا است. ولی بند "ه" همان قاعده می‌گوید "انشاء من" را "انشای من" در نظر بگیرد. حال اگر رایانه به کتابی با عنوان چگونه املاء و انشاء بنویسیم^(۳) برخورد چه بکند؟ همزه‌ها حذف کند یا آن را به "ی" تبدیل کند؟ همین کار ساده که برای ذهن انسان جزء ساده‌ترین کارهاست برای رایانه کار دشواری است و برای فهم همین تفاوت ساده نیاز به برنامه‌ای پیچیده است؛ برنامه‌ای که باید بتواند تمام ضوابط و قواعد دستور زبان فارسی را بفهمد. البته باید تذکر داد که طبق قاعدهٔ ۱ دستورنامه برگه‌آرایی تمام برگه‌های فارسی و عربی یا هم برگه‌آرایی می‌شود آیا در آن صورت هرگاه رایانه به برگه‌ای عربی برخورد کرد ابتداء یا انشاء یا... را ابتدای یا انشای یا... در نظر بگیرد؟

۴. برگه‌های زبان اردو نیز با برگه‌های فارسی و عربی با هم برگه‌آرایی می‌شوند، اعداد و ارقام و علائم و ویژگی خاص خود را دارد، اختصارهایی مانند نزاجا، نداجا و... قواعد خاص خودش را می‌خواهد، به این مسائل، ده‌ها مسئلهٔ زیر و درشت دیگر را باید اضافه کرد. حالت‌های خاصی که در هر زبان پیش می‌آید و قاعده‌پذیر هم نیست بر این مجموعه اضافه می‌شود. شاید بتوان برای تمام اینها راه حل‌هایی یافت ولی آیا می‌دانیم با صرف چه هزینه، در چه مدت و با چه تعداد متخصص؟ آیا تصور کرده‌ایم که آن برنامه را چه رایانه‌ای می‌خواهد اجرا کند؟ البته قابل ذکر است که هیچ کدام از این قواعد در بانک اطلاعاتی کتابخانهٔ ملی رعایت نشده است.

گامی در ویرایش

کتاب مورد بررسی، دستورنامه برگه‌آرایی، چاپ چهارم از ویرایش دوم آن است. چاپ اول این ویرایش در سال ۱۳۵۱ منتشر شده است. مسلماً از آن زمان تاکنون دانش و تجربه کتابداری افزایش یافته است که این خود تغییرات اساسی در کتاب را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. با یکی از دست‌اندرکاران چاپ این کتاب هم که گفت‌وگو می‌شد ایشان هم همین اعتقاد را داشت. اما پاره‌ای از قواعد این دستورنامه تغییر کرده است که بخشی از آن در ویرایش هفتم خدمات فنی در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است. به نظر می‌رسد بهتر باشد برای آشنایی با تغییرات و سمت‌وسوی آن از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۱ برخی از این تغییرات مورد بررسی قرار گیرد.

۱. در ذیل قاعدهٔ "۱-۵-۵" می‌توان چنین خواند:

چون در فارسی در مورد برخی لغات صورتهای مختلف متداول است، کتابدار

باید همیشه یکی را که با قواعد زیر منطبق است انتخاب کند و از سایر شکلها بدان ارجاع دهد. مثلاً هیأت و هیئت در فارسی متداول است ولی هیأت صحیح تر است و بهتر است شکل اخیر برای برگه‌آرایی انتخاب و از هیئت به این شکل ارجاع شود... مساله این است که یکدستی رعایت شود...

اینکه هیأت صحیح‌تر از هیئت است جای بحث دارد. اما به دلیل اینکه متن قاعده از شیوه رسم الخطی به قاعده برگه‌آرایی تبدیل شده است، انواع نوشتاری واژه‌ها در آن ملحوظ شده است و... گامی به جلو است. البته، همچنان مشکل‌های تصمیم‌گیری و ارجاع در مورد واژه‌هایی که به گونه‌های مختلف نوشته می‌شود پابرجاست.

۲. در بخشی از قاعده ۱-۵-۵ می‌خوانیم: "هرگاه همزه در آخر کلمه روی‌های غیرملفوظ قرار بگیرد همزه به حساب نمی‌آید". مخدوش بودن همزه و سر "ی" همچنان باقی است. ولی طبق این نوشته "خانه من = خانه من" و "نامه اداری = نامه اداری" است. با این حساب یکدستی چه می‌شود؟ مگر قرار نیست واژه‌هایی که به گونه‌های متفاوت نوشته می‌شوند در یک جا جمع شوند؟ با نامه‌ی یا خانه‌ی چه کنیم؟

۳. عجیب‌ترین بحث‌ها در صفحه‌های ۱۶۷ و ۱۶۸ ارائه شده است. به پاره‌ای از آنها توجه

شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از طرف دیگر گاه دو کلمه را بدون دلیل به صورت یک کلمه می‌نویسند مثل غلامحسین، علیمحمد، علیقلی و غیره. اینگونه اسامی در واقع دو کلمه هستند که به صورت یک کلمه نوشته می‌شوند. حال آیا بایستی محمدعلی را یک کلمه حساب کرد یا دو کلمه؟ چون محمد به "د" که از حروف منفصله است ختم شده بنابراین محمدعلی به صورت دو کلمه نوشته می‌شود ولی در علیمحمد چون علی به "ی" که از حروف متصله است ختم شده گاه به صورت یک کلمه نوشته می‌شود و گاه جدا از هم.

باید تذکر داد که به نظر می‌رسد یک کلمه بودن یا چند کلمه بودن واژه‌ها ربطی به حروف متصله یا منفصله ندارد، محمدعلی، یا علیمحمد هر کدام یک کلمه هستند. در ادامه همین بخش می‌آید:

کلمه "سردرد" از دو اسم تشکیل شده و یک کلمه مرکب را ساخته ولی چون سر به حرف "ر" ختم شده که از حروف منفصله است بنابراین سردرد به صورت دو کلمه نوشته می‌شود.

قابل ذکر است که واژه‌های آشپزخانه، سربازخانه، کتابخانه، و کبابخانه هر کدام یک کلمه هستند، چه انتهایی را که سر هم یا پیوسته نوشته‌ایم و چه انتهایی را که به دلیل حروف منفصله جدا از هم نوشته‌ایم^(۴). فضای خالی میان واژه‌ها تعیین می‌کند که کدام یک دو کلمه‌ای است. البته فضای خالی میان واژه‌ها با توجه به قواعد دستور زبان فارسی و نقش دستوری واژه‌ها درون جمله یا عبارت مشخص می‌شود.

اینکه انتظار داشته باشیم در فصل کوچکی با عنوان برگه‌آرایی در کتاب خدمات فنی ویرایش کل برگه‌آرایی را مشاهده کنیم انتظاری دور از منطقی است. اما سمت و سوی کلی این ویرایش جزئی امیدبخش نیست. بحث‌هایی مانند حرف‌های منفصل و متصل، بی‌توجهی به واژه‌های فارسی و نگارش‌های مختلف فارسی از واژه‌های لاتین، عدم یکدستی به‌ویژه با بحث "سی" در های غیرملفوظ، بی‌توجهی به رایانه و نیازهای آن و... همچنان باقی است.

نتیجه

دستورنامه برگه‌آرایی با توجه به یافته‌های این بررسی دارای کمبودهای زیر است:

۱. این اثر دستاورد یک فرد است و سایر کتابداران در پدید آمدن آن نقشی نداشته‌اند. اگر در سال ۱۳۵۱ تعداد کتابداران چند صد نفر بود در حال حاضر هزاران کتابدار در عرصه کتابداری ایران نقش فعالی دارند. استانداردهایی که در حال تدوین است یا تدوین شده است باید بیانگر دانش تمام کتابداران باشد.

۲. دستورنامه برگه‌آرایی به دلیل بی‌توجهی به تمام جنبه‌های رسم‌الخط فارسی و نگارش‌های گوناگون واژه‌های فارسی و واژه‌های لاتین ناقص است

۳. با توجه به اینکه بیش از ۲۵ سال از تدوین این دستورنامه می‌گذرد و طی این مدت استفاده از رایانه رواج یافته است، قاعده‌های آن نیاز به بازنگری اساسی دارد. جالب است که بانک اطلاعات کتابشناسی ملی ایران حتی یکی از این قواعد را رعایت نکرده است.

۴. تأکید این اثر بر برگه‌آرایی حرف به حرف است ولی بنا به دلایلی که گفته شد باید برگه‌آرایی کلمه به کلمه را نیز به عنوان گزینه‌ای قابل تأمل مورد توجه قرار داد. در صورت قبول

چنین گزینه‌ای کل بحث‌های برگه‌آرایی نیاز به بازبینی و تغییر اساسی دارد.
۵. ارائه اطلاعاتی مانند حروف متصل و متفصل در خدمات فنی و واژه‌های مرکب در دستورنامه برگه‌آرایی و خدمات فنی نشان از دیدگاه‌های اشتباه در تدوین این دستورنامه دارد.

خلاصه کلام اثر یاد شده که با همت یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد کتابداری در سال ۱۳۵۱ منتشر شد، به عنوان اولین گام، ارزشمند و ارجمند است و باید به آن و نویسنده‌اش احترام گذاشت و پاس آن را داشت. ولی اگر قرار باشد همین اثر با همین دیدگاه و با همین اشتباه‌ها مادام‌العمر در ستامه دانشجویان باشد و سایر متابع و کتابداران نیز از آن تعریف و تمجید کنند دچار اشتباهی خطیر و جبران‌ناپذیر شده‌ایم.

اما نتیجه مهم‌تری که از این بررسی حاصل می‌شود تکرار یکی اشتباه‌های پیکان در حوزه کتابداری است. از سال ۱۳۴۶ تاکنون پیکان تغییر اساسی نکرده است. سایر اتومبیل‌ها را در کشورهای صنعتی هر سال یا هر چند سال یک بار با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی توسعه می‌دهند. حاصل چنین کاری پدید آمدن امکانات جدید است که این خود به مرور اساساً اتومبیل جدیدی را به وجود می‌آورد. ولی پیکان این چنین نبوده است. پیکان همان پیکانی است که سی سال پیش بوده است؛ مگر تغییرات بسیار کوچک. حالا هم که می‌خواهند تغییراتی در پیکان بدهند، آن قدر تکنولوژی پیشرفت کرده است که دیگر با تغییر نمی‌توان وضع پیکان را بهبود بخشید بلکه باید اساساً پیکان قدیم را به کناری گذاشت و اتومبیل جدیدی که فقط نامش پیکان است طراحی کرد.

با کمی دقت می‌توان متوجه شد که دستورنامه برگه‌آرایی هم دچار همین بلا شده است. طی سالیان متعددی تغییرات بسیار اندکی در قواعد آن داده شده است. حال که تکنولوژی پیشرفت بسیار کرده است دیگر نمی‌توان ویرایشی از دستورنامه برگه‌آرایی را منتشر کرد بلکه مجبوریم این کتاب را به کناری بگذاریم و با توجه به تکنولوژی نوین دستورنامه دیگری که اساساً از بیخ و بن با این کتاب متفاوت است تدوین کنیم. سؤالی که مطرح می‌شود این است: آیا در سایر منابع، حوزه‌ها و... کل کتابداری این چنین رفتار نکرده‌ایم؟

سخن آخر

تا این لحظه که این نقد و بررسی در حال اتمام است، نگارنده تصور می‌کند تمام گفته‌ها و استدلال‌هایش درست است. ولی اینکه واقعاً چه مقدار از آن درست باشد برای نگارنده روشن

نیست. ذهن انسانی است، همان‌طور که نویسنده می‌تواند و حق دارد اشتباه کند، منتقد هم می‌تواند اشتباه کند. بحث و گفت‌وگوهای دوطرفه و چندطرفه یکی از راه‌هایی است که حرکت و پیشرفت را تسهیل می‌کند. حرکتی که احتمالاً پیکان را از پیکان بودن رهایی می‌بخشد.

سایر حوزه‌ها مانند ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، رایانه، ویراستاری و... اطلاع‌چندانی از کتابداری ندارند. بعید است آنها در مورد فهرست‌نویسی یا رده‌بندی کتابخانه‌کنگره و دیویی اطلاعات چندانی داشته باشند، ولی همین افراد در همین حوزه‌ها اطلاعات گران‌قیمتی از رسم‌الخط فارسی و مشکلات آن دارند. حال اگر مطالب این نقد درست باشد و یکی از متخصصان سایر حوزه‌های مرتبط این کتاب را مطالعه کند، چه تصویری در ذهنش نسبت به کتابداران و کتابداری ایران شکل می‌گیرد؟ آیا این کتاب بازتاب دانش کتابداری و کتابداران ایران از رسم‌الخط فارسی است؟ آیا در حضور متخصصان سایر حوزه‌ها خجسته عرق را بر پیشانی خود احساس نمی‌کنیم؟

اینکه نویسنده‌ای اثری را خلق کند که اشکالات بنیادی داشته باشد مسئله مهمی است، اما مسئله مهم‌تر آن است که کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تا چه زمانی می‌خواهد چنین آثاری را منتشر کند؟ فرد با سازمان تفاوت اساسی و اصولی دارد. زمانی که نام کتابخانه ملی ایران به عنوان ناشر، آن هم ناشر یک استاندارد، در پای اثری ذکر می‌شود پای تمام اعتبار کتابخانه ملی و تمام کتابداران ایرانی در میان است. آیا وقت آن نرسیده است که برای تدوین استانداردها، ضوابط، و... از کلیه کتابداران ایرانی استفاده شود؟ به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران کمیته‌ای متشکل از کتابداران، رایانه‌دانان، ویراستاران، زبان‌شناسان، ادیبان و... را تشکیل دهد تا با کمک تمام کتابداران دستورنامه برگه‌آرایی جدیدی تدوین گردد. ■

یادداشت‌ها

۱. احمد سمیعی (گیلانی)، شیوه‌نامه دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵. ص. ۲۵.
۲. سرعنوان‌های موضوعی فارسی، ویراستاران پوری سلطانی و کامران فاتحی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۳. خدمات فنی، ویراستار پوری سلطانی، ویرایش هفتم. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.